

ستیز روس‌ها با مشروطه‌خواهان، رحیم‌خان چلیپانلو و طغیان شاهسون‌ها علیه حکومت مشروطه در گفت‌وگو با لطف‌الله آجدانی تاکتیک‌های روسی برای مبارزه با مشروطه‌خواهی

با لطف‌الله آجدانی استاد دانشگاه‌های مازندران درباره ماجرای طغیان رحیم‌خان چلیپانلو علیه دولت مشروطه گفت‌وگو کردیم. بر این گفت‌وگو او از حمایت روس‌ها از رحیم‌خان برای برانداختن دولت مشروطه سخن گفت اما زنه‌ار داد که نباید این موضوع را تنها در چنین علت و زمینه‌ای فرو کاست. آجدانی متولد ۱۳۴۳ آمل است و کتاب ارجمند علما و انقلاب مشروطیت، را در کارنامه خود دارد.

❧ بعد از گشایش مجلس دوم، نمایندگان مجلس که بالاخره از صندوق مجلس مشروطه بیرون آمده بودند، خواستار خروج روس‌ها شدند. در چنین شرایطی با طغیان شاهسون‌ها روبه‌رو هستیم. آیا طغیان شاهسون‌ها به تحریک روس‌ها انجامید تا پهنه‌ای برای حضور روس‌ها در ایران باشد؟

طغیان شاهسون‌ها در ماهیت خود از انگیزه‌های مختلفی ریشه می‌گرفت و از ابعاد گوناگونی برخوردار بود. آذربایجان به ویژه در خلال حکمرانی محمدعلی میرزای ولیعهد (۱۹۰۷-۱۸۹۶ م / ۱۲۷۴ ه‍.ش) دستخوش هرج و مرج و فقر بود. روسیه سطره بلامنازع‌ی بر این ایالت داشت. کاهش محصول، سوداگری و احتکار زمین‌داران بزرگ، به‌کرات موجب ناب شدن غله و بروز قحطی شد. در چنین شرایطی بسیاری از طوایف شاهسون در سرتاسر ناحیه مغان و اردبیل به غارتگری و چپاول مشغول بودند. بسته‌شدن مرزها و به تبع آن افول اقتصاد ایلی، انجام حملات غارتگرانه در سرحدات مغان را تشدید می‌کرد. ایران و روسیه هر کدام به نوعی درصدد بهربرداری از این حملات بودند. رحیم‌خان چلیپانلو یکی از روسای طوایف غارتگر ایالت آذربایجان از حمایت همه‌جانبه محمدعلی میرزا برخوردار بود. مناسبات حسنه محمدعلی میرزا با روس‌ها، خوانخواه رولبط نزدیک رحیم‌خان با روس‌ها و حمایت روس‌ها از رحیم‌خان را به دنبال داشت. محمدعلی میرزا به دفعات رحیم‌خان را برای سرکوب شورش‌های طوایف شاهسون به ناحیه اردبیل گسیل داشت.

خطمشی روسیه در قبال ایران آشکار بود. ایجاد هرج و مرج در نقاط مرزی از یکسو و ارایه کمک نظامی به ایران برای برقراری آرامش از سوی دیگر. روس‌ها از چنین سیاستی برای به دست‌آوردن پهنانه لازم برای حضور و دخالت در شمال ایران را تعقیب می‌کردند. محمدعلی میرزا نیز چه در زمان حکمرانی خود در آذربایجان و چه در زمان سلطنت خود، در راستای اجرای سیاست روس‌ها، با تحریک شاهسون‌ها عمدا پهنانه لازم را برای دخالت نظامی روسیه فراهم می‌آورد تا از این طریق بتواند مشروطه‌خواهان را سرکوب کند. روسیه نیز بارها به اسناد نا‌امی‌های آذربایجان به ویژه در قرداداغ خواستار دخالت قوای نظامی خود برای اعاده آرامش در آذربایجان شده و عملا نیز به دخالت نظامی پرداخت. عملیات نظامی روسیه در قلمرو شاهسون‌ها با اهداف خاصی صورت می‌گرفت. تجارت آذربایجان در دست تجار روسی بود. اتباع روسیه در ایالت آذربایجان به ویژه در اهر، اردبیل و سراب، روستاهای بی‌شماری را خریداری کرده بودند. عمده کالاهای روسی از طریق آستانراخان و سایر بنادر در دریای خزر به آستار و از آنجا به تبریز حمل می‌شد. اردبیل در مقام مرکز ترانزیت کالاهای این مسیر اهمیت فراوانی داشت. حفظ منافع روسیه در شمال ایران به ویژه در گیلان و آذربایجان، زمینه مناسبی برای روس‌ها بود که به پهنانه نا‌امی‌های نواحی شمالی ایران، دخالت و حضور خود در این مناطق را ضروری دانسته و موجه نشان دهند. محمدعلی میرزا طوایف مرزنشین را به غارتگری و راهزنی ترغیب می‌کرد. قوای روسی متمرکز در مرزها نیز مشتاقانه منتظر بودند تا محمدعلی میرزا آنان را برای برقراری نظم و آرامش به کمک بطلبد. در سرتاسر این سال‌ها به جز برخی طوایف مانند قوجابیلگو و آلارو که در داخل سرحدات روسیه دست به غارتگری می‌زدند و منافع روس‌ها را به خطر می‌انداختند و روس‌ها نیز علیه آنان به اقدامات تلافی جویانه متوسل می‌شدند، بیشتر طوایف شاهسون‌ها در طغیان‌ها و غارتگری‌های خود از تحریکات روس‌ها متاثر بودند. حکومت قفقاز از طریق نمایندگان سیاسی روسیه در تبریز، شاهسون‌ها را به غارتگری ترغیب می‌کرد و حتی روس‌ها آنان را به سلاح تجهیز می‌کردند. حتی در مواقعی که شاهسون‌ها از سوی دولت ایران تحت تعقیب قرار می‌گرفتند، روس‌ها به آنها پناه می‌دادند یا در هنگام دستگیری و حبس سران شاهسون، روسیه برای آزادی آنها وساطت می‌کرد.

❧ اگر بپذیریم طغیان شاهسون‌ها در عصر مشروطه، از جانب روس‌ها و به تحریک آنها صورت گرفت، این پرسش مطرح می‌شود که چرا وقتی در اردبیل حمله رخ می‌دهد و علما به سفارت روس پهنانده می‌شوند، روسیه توجیهی به درخواست و اصرار رحیم‌خان چلیپانلو برای تسلیم علما و روحانیان به او و تنبیه آنان نکرده و از آن امتناع کرد؟

باید دقت کرد که محدودکردن همه علل و عوامل و انگیزه‌های خیزش‌های شاهسون‌ها در آذربایجان و ابعاد آن خیزش‌ها به تحریک و خواست روس‌ها، تحلیل نادرست و گمراه‌کننده‌ای است. میان خیزش برخی از طوایف شاهسون در برخی از مقاطع با منافع روس‌ها تصادم و مغایرت وجود داشت. چنانکه برخی از طوایف شاهسون

در برخی از مقاطع، از مشروطه‌خواهان حمایت می‌کردند یا طوایفی چون قوجابیلگو و آلارو همیشه با روس‌ها در گیر بوده و منافع آنان را تهدید می‌کردند. از سوی دیگر به ویژه در سال‌های حکمرانی محمدعلی میرزای ولیعهد، آذربایجان تحت سستم و زورستانی‌های دستگاه فاسد و منحط دارای آن روزگار و نیز سلطه‌طلبی‌های روسیه بر مقدرات ایالت آذربایجان قرار داشت. آبدی‌های کشاورزی واقع در نواحی جنوبی قلمرو شاهسون‌ها یعنی نواحی مشکین، درشق، یلکج و اردبیل در تملک ثروتمندان شهری یا روسای طوایف یکجانشین آمده بود. در چنین شرایطی بسیاری از طوایف شاهسون ناگزیر برای به دست آوردن سهمی از منافع، به غارتگری روی آوردند.

البته که تردیدی نیست روسیه نیز از اقدامات غارتگرانه طوایف شاهسون در داخل آذربایجان که از آن به عنوان زمینه مناسبی برای دخالت‌های نظامی خود در آذربایجان و توجیه آن به پهنانه حفظ منافع خود و ایجاد آرامش در آن مناطق استفاده کند. استقبال می‌کنند. اما در عین حال روسیه در اجرای این سیاست خود، متناسب با معادلات سیاسی و به اقتضای مصالح خود، از تاکتیک‌های مختلفی در شرایط مختلف بهره می‌گرفت. بر اساس همین تاکتیک‌ها بود که روسیه با توجه به آگاهی از نفوذ سنتی

 	 	
خطمشی روسیه در قبال ایران آشکار بود:		
ایجاد هرج و مرج در نقاط مرزی از یکسو و ارایه کمک نظامی به ایران برای برقراری آرامش از سوی دیگر.		
روس‌ها از چنین سیاستی برای به دست‌آوردن پهنانه لازم برای حضور و دخالت در شمال ایران		
را استفاده می‌کردند		

و دیرینه علما و روحانیان در میان بسیاری از مردم جامعه ایرانی مصلحت نمی‌دید به نحو گسترده و آشکاری با روحانیان درگیر شود. از همین دیدگاه است که روس‌ها از تسلیم‌کردن علما و روحانیان پهنانده به سفارت روس، به رحیم‌خان چلیپانلو خودداری کرده و به اصرار رحیم‌خان توجهی نکردند. زیرا روس‌ها مصالح و منافع خود را همواره بر منافع عواملی چون رحیم‌خان ترجیح می‌دادند. همان‌تکه همین روس‌ها در واقعه جنبش تنباکو، به علت رقابت‌جویی‌های خود با انگلستان و برای به‌دست‌آوردن منافع در ایران، از آن جنبش حمایت کردند.

❧ بعداز خواباندن شورش رحیم‌خان چلیپانلو توسط مشروطه‌خواهان، ما پرده‌های دیگری از مخالفت روس‌ها با مشروطه‌خواهی را می‌بینیم. مثلا در مساله استقرار از خارجی‌ها، روسیه همراه با انگلیس مخالف استقرار ایران از آلمان بودند. آیا تنها دلیل مخالفت روس‌ها با مشروطه‌خواهی، منافع روسیه بود یا اینکه آنها در گیر نوعی رقابت با انگلیسی‌ها شده بودند؟ آیا روس‌ها حضور انگلیسی‌ها را در ایران تهدیدی علیه خود می‌دانستند یا آنها را در کنار خود به نوعی در معامله با خود بر سر یک سفره می‌دیدند؟ و اساسا رویکرد و سیاست کلی روس‌ها نسبت به مشروطه‌خواهی

مشروطه

ستیز روس‌ها با مشروطه‌خواهان، رحیم‌خان چلیپانلو و طغیان شاهسون‌ها علیه حکومت مشروطه در گفت‌وگو با لطف‌الله آجدانی



ادامه از صفحه ۲

انقلاب مشروطه و ایران معاصر

❧ از آنجا که در جامعه‌شناسی سیاسی، دهقانان عموما نیروهای محافظه‌کار و گذشته‌گرای محسوب می‌شوند فکر نمی‌کنید که تک‌ریم خواست‌های این گروه‌ها نیز پروژه تجددخواهی را تعریف می‌کرد؟

برای ایجاد دموکراسی، شما به یک طبقه متوسط قوی مالیات‌پرداز نیاز دارید. آنچه شما نیاز دارید توزیع زمین است. شورش‌های دهقانی برای اصلاحات ارضی، یک واقعیت مستندشده توسط منابع مختلف آن زمان بود. البته این به آن معنا نیست که دهقانان از حقوق زنان پشتیبانی می‌کردند.

❧ مساله ائتلاف شکنده، مبنی بر اینکه پیروزی‌های تاریخ‌معاصر ایران از جمله مشروطه حاصل ائتلاف‌های لرزان گروه‌های ناهمگن است در اثر شما نیز همچون کتاب «جان‌قوران» مورد تاکید قرار گرفته. به نظر این مساله تا چه حد در مورد مسایل امروز (پیروزی روحانی) نیز صدق می‌کند؟

در بررسی‌های اخیر انجام شده در دانشگاهمان، ما به این نتیجه رسیدیم که اکثریت ملت ایران ارزش‌های دینی را قویا حفظ می‌کنند. اما بخشی هم خواهان جدایی‌دین و دولت‌هندند. یک فرد مذهبی با ارزش‌های مرفقی می‌تواند به این معامله کمک کند. من نمی‌دانم که آیا روحانی آن شخص است، من واقعا او را نمی‌شناسم. بنابراین برای قضاوت احتیاطی می‌کنم.

❧ در بحث تاریخ‌نگاری چه نسبتی بین تئوری و تاریخ وجود دارد در پایان سخنرانی‌ای که چند سال قبل در دانشگاه الزهرا با عنوان «فوکو و تاریخ‌نگاری جنسیتی» داشتید؟غدا،ید «فوکو» باید مانند ادویه برای غذا استفاده کرد. در مقابل دیدگاه شماعده‌ای معتقدند پژوهش‌را اجازه ندارد چنین برخوردی سسس گونه با آنها داشته باشد. در این‌باره بیشتر توضیح دهید.

بهرتر است از مفهوم «جعبه ابزار» استفاده شود. از نظریه‌ها باید به عنوان جعبه ابزار استفاده شود. مورخان باید از آنها آگاه باشند و کشف کنند که کدام بهتر به کشف بازل تاریخی کمک می‌کند. مقصود من هشدار دادن در برابر روند فعلی بود. (رواقع نه‌فقط در حال حاضر بلکه در مدت ۲۰سال گذشته) روند خمیده‌کردن تاریخ باید انجام گیرد تا متناسب یک قالب نظری خاص شود. بنابراین با بهربرداری از وقایع شما قادرید خواش فوکویی یا مارکسیستی از وقایع تاریخی را تصنیف کنید و بعد جاروکردن بقیه به زیر قالیچه.

تردیدی نیست بخش قابل ملاحظه‌ای از سیاست‌های روسیه در برابر حکومت و جامعه ایرانی و مشروطه‌خواهان در عصر مشروطه‌طلبی ایرانیان، متأثر از رقابت‌های استعماری روسیه با رقبایش به ویژه انگلستان قرار داشت. اما آنچه توجه به آن اهمیت دارد درک این واقعیت است که این رقابت‌ها در سرشت خود معطوف به حفظ و گسترش منافع روسیه بود. روس‌ها با توجه به اصل موازنه قدرت و با پذیرفتن واقعیت نفوذ انگلیسی‌ها و نقش دیرینه آنان در سیاست گرثانی ایران، برای حفظ منافع خود و در صورت لزوم با رقیب دیرینه خود، پذیرفته بودند که گاه باید با آنان مشابهت کرده، همسو شده و بر سر یک سفره به تقسیم غذا پرداخت. انعقاد قرارداد۱۹۰۷م و تقسیم ایران به حوزه‌های نفوذ روس و انگلیس نیز در واقع انعکاسی از همین رویکرد منافع‌طلبی روس‌ها با رعایت الزامات و مقتضیات شرایط است.

سیاست‌های آسیایی روسیه در روزگار قاجار و مشروطه‌طلبی ایرانیان هدف‌های مشخصی داشت: روسیه امپراتوری وسیعی بود که جز نواحی یخبندان شمالی یکسره در حصار خشکی قرار داشت. برای بروزفت از این بی‌ست،مهم‌ترین هدف روسیه در شرق نزدیک، تصرف قسطنطنیه و رسیدن به آب‌های گرم خلیج‌فارس بود. جنگ‌های روسیه با ایران که به تحمیل دو قرارداد اسارت‌بار گلستان و ترکمنچای به ایران انجامید، انعکاسی از تلاش روسیه برای تحقق برنامه کلان توسعه ارضی خود بود. اما با متوقف‌شدن گسترش طلبی ارضی، سیاست‌های روسیه در ایران به طور عمده در بستر رقابت‌های اقتصادی در حیات خود ادامه داد. کسب معافیت‌های گمرکی و امتیازات انحصاری، تسلط مالی بر بخش‌های مهمی از اقتصاد و بازار تجاری ایران، سوق‌دادن حکومت ایران به سوی وابستگی اقتصادی به روسیه و برخورداری از حق کابینتولاسیون، از جمله منافع‌ی بود که روس‌ها برای حفظ و گسترش و تداوم آن تلاش می‌کردند.

روسیه با توجه به منافع گسترده اقتصادی و سیاسی خود در ایران، خواهان حفظ وضع موجود بود و با هر حرکت و جنبشی که می‌کوشید یا می‌توانست با ممکن‌بود این وضعیت را تغییر دهد به شدت مخالفت می‌کرد. نهضت مشروطه نیز که خیزشی علیه منافع بیگانگان و دودمان قاجار که به روسیه وابستگی داشت بود، با دشمنی شدید روس‌ها مواجه شد. تاثیرات مشروطه‌خواهی ایرانیان بر مسلمانان جنوب روسیه و پیامدهای زیانباری که آن تأثیرات می‌توانست برای منافع داخلی روسیه به دنبال داشته باشند،زیر، عامل مهم دیگری بود که دشمنی روسیه‌با مشروطیت و مشروطه‌خواهان ایرانی را تشدید می‌کرد. به توف بستن مجلس توسط لیاخوف روسی، حمایت فراوان روسیه از محمدعلی شاه در دوران استبداد صغیر، دخالت نظامی روس‌ها در آذربایجان علیه قیام سترخان و مشروطه‌طلبان تبریز، حمایت روس‌ها برای اعاده سلطنت محمدعلی شاه مخلوع، اولتیماتوم روس‌ها به مشروطه‌خواهان برای اخراج مورگان شوستر که با پیشروی روس‌ها به طرف تهران همراه شد، حمایت روس‌ها از آشوب‌گری‌های شاهسون‌ها در ایالات شمال و مخالفت آنان بر ضد مشروطه، انعکاسی از دشمنی و مخالفت گسترده و شدید روسیه با مشروطیت و مشروطه‌خواهان ایرانی در راستای حفظ و تداوم نفوذ، سلطه‌جویی و منافع‌طلبی استعماری خود در ایران بود.

قانون‌های حل جدول سودوکو:					
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ ت نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.					
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.					
سودوکو سخت ۴۲۱					
حل سودوکو سخت					
سودوکو					

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۷۲									
حل سودوکو ۷۷۱									
سودوکو									
حل سودوکو									

ادامه از صفحه ۲

سوسیال‌دموکراسی و انقلاب مشروطه ایرانی

در همین اواخر جان فوران استدلال کرده فرآیند توسعه در ایران، توسعه وابسته بوده است. این فرآیند درجه‌ای از مدرنیزاسیون را به خود آورد و حتی بخش‌هایی از جامعه را در یک مقطع کوتاه منتفع کرد اما در درازمدت دوام نیافت.
سنخ‌ی از توسعه که منافع بازرگانان خارجی را بیش از جامعه وطنی آن تأمین کرد و کل جمعیت را در وضعی بسیار بدتر رها کرد. او با استفاده از تحلیل‌های سیستم جهان ایمانوئل والرشاین استدلال می‌کند که ایران در نیمه آخر قرن نوزدهم از یک اقتصاد «غیراروپایی متمرکز» در دوره صفوی به بخشی از حاشیه بازار سرمایه‌داری جهانی سوق پیدا کرده است.
همچنین مولفه‌های ایدئولوژیک مهمی وجود داشت که آنچه نیکی کدی، «اتحاد مذهبی رادیکال» می‌نامد را به هم متصل می‌کند. چیزی که در نهایت از دل انقلاب مشروطیت بیرون می‌آید.
در مطالعات معاصر مشروطیت، گرایش غالب از برخی تفسیرهای پیشین که روی رهبری علما تأکید می‌کرد نقش آنها را به مفهوم فربه عدالت در دکترین شیعه نسبت می‌داد؛ در حال انتقال به دورمی جدید است.
کلون توجه این دیدگاه جدید، بر تنوع ائتلاف‌ها و اتحادهای موقتی که انقلاب مشروطه را ممکن ساخت متمرکز شده است.
گاد گلبیر بر این باور است که این بازرگانان بودند که با همراهی اعضای اصناف بازار برای نخستین‌بار علما را پشتیبانی کردند

و پس از این حمایت بود که «بست‌نشین» در سفارت انگلیس رخ داد. آنها بودند که مبارزه کردند و قانون و پارلمان را با معیارهای اروپایی‌اش فرانچنگ آوردند.
نسا مارتنین بر برخی عوامل اقتصادی که بر پیوستگی‌های سیاسی علما در دوره مشروطیت اشاره دارد، تأکید می‌کند
شیخ‌فضل‌الله نوری کسی بود که سریعاً به طرفداری از مخالفان برخاست، اما این را نیز در نظر بگیرد که سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی ارتباط نزدیک‌تری با بازرگانان و اصناف تهران داشتند.سیدامیر ارجمند این دیدگاه را دارد که بهبهانی و طباطبایی از علمای تراز اول مشروطه‌خواه، کم‌کم از زمانی که خواست مجلس ملی (متشکل از طبقات مختلف) و قانون اساسی به میان می‌آید، پای پس می‌کشند.سفت‌نگاری در دو دهه گذشته در ایران منتشر شده است که روشنایی‌های تازه‌ای بر سازمان سوسیال‌دموکرات‌ها در ایران انداخته است.
فریدون آمیت، مذاکرات سوسیال‌دموکرات‌ها را با مجلس (مجلس ملی) و نقض آفرینی آنها در شورش‌های دهقانی منطقه کاسپین را تشریح می‌کند. او آخرین نوشته‌های محمدامین رسولزاده را که یکی از مهم‌ترین تئوریسین‌های حزب سوسیال‌دموکرات (۱۱ – ۱۹۰۹) است، ارایه می‌کند.
منصوب اتحادیه نظام‌های، با استفاده از آرشیه‌های خادوگی خصوصی، چیزهای جدیدی درباره نقش احزاب سیاسی در این دوره ارایه می‌کند.
نظام‌های نقش کمیته انقلابی ملی و حزب دموکرات را که اعضای رهبری کننده آن، سوسیال‌دموکرات بودند، مورد بررسی قرار می‌دهد.
متکل بیات با استفاده از منابع روسی، به سراغ ریشه‌های سوسیال‌دموکرات‌های ایرانی در قفقاز روسیه می‌رود و تأثیر آنها را در دوره مشروطه اول بیان می‌کند.
سایا اینکه بعضی از اعضای پیشرو علما به دلیل علاقه‌ای که به آزادیخواهی و مشروطیت داشتند به جریان اپوزیسیون پیوستند؛ بسیاری گروه‌های غیرروحانی به دلایل دیگری به حلقه مشروطه‌خواهان پیوستند.
نخست سیاست‌های ایالتی و امتیازات انحصاری خارجی در عصر ناصرالدین‌شاه (۹۶ – ۱۸۴۸) و مظفرالدین‌شاه (۱۹۰۷ – ۱۸۹۶) بود که سرنوشته بازرگانان، مغازمداران، اعضای اصناف بازار و همچنین برخی روحانیان را شدیدا تحت‌تأثیر قرار داد. این بخصوص درباره اصلاحات گمرکی سال‌های ۱۹۰۵ – ۱۹۰۰ صدق می‌کرد که توسط رییس بلژیکی گمرکات، ژوزف نوز به صورت قانون درآمد. اصلاحات گمرکی درآمد دربار سلطنت را افزایش داد و بازرگانان روسی را نیز مورد لطف قرار داد. بازرگانان ایرانی و حامیانشان، که شامل بخش‌هایی از علما نیز می‌شدند، حالا به این اتحاد ناسیونالیستی پیوستند.
به این هدف ویژه که به امتیازات انحصاری خارجی پایان بخشند،دودامینکه برخی از علما، مثل شیخ‌فضل‌الله که در مراخل تاریخی به جنبش پیوستند، از دیدگاه‌های مدرن دوری می‌کردند و در واقع، رویای قانون مشروطه‌ای را در سر می‌پروراندند که در آن، احکام علما و اسلام شیعی به تصویب برسند و دیدگاهشان بر دولت و انقلابیون ترجیح داده شود. این نزاع بین مشروطه (کنستیتوشنالیزم) و مشروعه (قانون مطابق با شریعت) از آغاز شکل‌گیری پارلمان و تصویب قانون اساسی در ۳۰دسامبر ۱۹۰۶ رخ داد و تا پایان نهم جنبش انقلابی را به خود مشغول کرده بود.
سوم، بعضی از اعضای دولت، خواص زمین‌دار و برخی از روحانیون مثل حامیان صدراعظم امین‌السلطان از این ائتلاف موقتی، بهره می‌بردند. چهارم و شاید مهم‌تر از همه، روشنفکران تندرو و اعضای انجمن‌های مخفی بودند که امیادور به تجدید نیروی هر دو دسته ناراضی علما و سیاستمداران لار بریده بودند. با این‌تکه که تنها راه بقووجودآوردن یک ائتلاف ملی با کتش وسیع توده‌ها همین است. این سیاست همان‌طور که نیکی کدی استدلال می‌کند، از دهه ۱۸۹۰

توسط ملکم‌خان و جمال‌الدین اسدآبادی مورد دفع قرار گرفت. هر دو این پژوهشگران، ادوارد براون نویسنده کلاسیک «انقلاب ایران ۱۹۰۹-۱۹۰۵» و نیکی کدی اشاره می‌کنند که بیشتر انقلابی‌های مذهبی که حامیان اصلی انقلاب مشروطیت بودند، و برای بقووجودآمنن جبهه ملی فراگیر بین علما و سیاستمداران تلاش می‌کردند، در واقع آزاداندیشان بودند.

اما به منظور فهمیدن رادیکالیزه‌شدن سریع جنبش در ایران بعد از ۱۹۰۶، ما باید به ایدئولوژی سوسیال‌دموکراسی و سازمان‌های اجتماعی و سیاسی‌اش توجه کنیم. انجمن‌های سوسیال‌دموکرات برای اولین‌بار زمانی که نبرد برای قانون و پارلمان به پیروزی انجامید، شروع به تأثیرگذاری کردند. بین سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۱۱ سه گرایش سوسیال‌دموکرات به مدد همبستگی روشنفکران ارمنی و آذری به وجود آمدند. اینها شامل: ۱) فرقه اجتماعین عمیون (سازمان سوسیال‌دموکرات‌های ایرانی) می‌شد که مرکز فرماندهی خود را در باکو روسیه قرار داده بود. با این ملاحظه که بسیاری از شاخه‌هایی که به عنوان انجمن‌های مجاهدین در ایران شناخته می‌شدند، بعد از آگوست ۱۹۰۶ تشکیل شدند. ۲) سوسیال‌دموکرات‌های تبریز، به‌خصوص ارمنی‌ها که خودشان را در صف انقلابی‌ها در تبریز قرار دادند و کمک کردند به سازماندهی مقاومت در برابر لشگر محمدعلی‌شاه در ۹-۱۹۰۸.

۳) حزب دموکرات که در دوره مشروطه دوم (۱۱ – ۱۹۰۹) شکل گرفت و برنامه سوسیال‌دموکراتیک داشت. حزب دموکرات نمایندگی اقلیت را در مجلس دوم به دست آورد و به خاطر پیوستگی‌ای که با رهبران ایل بختیاری داشت در تابستان ۱۹۱۰ به دولت نیز پیوست.

این یک واقعیت است که سهم سوسیال‌دموکرات‌ها و مخالفان مذهبی و همچنین تشعبات سیاسی مهم آنها بسیار کم مورد تصدیق قرار گرفته، در کردن آن ادعای پذیرفته‌شده عمومی را که اتحاد بین طبقات بازرگانان» و «بخش‌هایی از علما، موجب رخ‌دادن انقلاب مشروطه شد. به‌نظر می‌رسید که آنها سناریوی مشابهی را در مبارزه برای سرنگون کردن دولت محمدرضاشاه پیشنهاد می‌کنند و یک وظیفه‌ذاتی مترقی برای بخش‌هایی از علما و الهیات اسلامی در کلیشت می‌شدند. این فینفا درست است که بسیاری از مشروطه‌خواهان اعتبار مذهبی داشتند، با چندین مجتهد در بینشان و همچنین تعداد زیادی تاجر که انقلاب را هدایت می‌کردند. روشنفکران رادیکال دهه ۱۹۰۰ و ۱۹۷۰ یادشان رفت به این نکته اشاره کنند که بسیاری از همان افراد، در واقع ناراضیانی بودند که نتوانستند هیچ وقت وابستگی‌های ایدئولوژیک خود را آشکار و عمومی کنند.